



Assessing The International Trade Law in ECO Countries

Ebrahim Dorouzi *

Master of International Law, Shahrekord, Iran.

Abstract

Today, economic issues are an integral part of every government. The present study deals with the evaluation of international trade-based laws in the member countries of the Organization for Economic Co-operation and Development. ECO organization strives to improve the economy and help member countries to achieve sustainable economic development, but the member countries are developing countries, for this reason there are inconsistencies and economic irregularities in them, so the producers have turned to cheap imports and the sectors services grow inefficiently and unnecessarily in them, and this means staying away from the main goals of this organization and will not bring any result other than the ineffectiveness of this regional organization. Therefore, this study primarily examines the trade index in the member countries of the Economic Cooperation Organization and then introduces the main determinants of trade and further examines the effect of international investment treaties on the rules of customary international law. The results of the study show that the member countries of the Economic Cooperation Organization with the average index of intra-industry trade in the period of 2003-15 are very low and do not have a suitable and advanced industrial and legal infrastructure. The level of intra-industry trade is much lower than that of industrialized countries, especially in European Union countries, which have an average index of intra-industry trade of around 69%. Also, some political relations and international relations have fueled the inefficiency and progress of this organization. This article is written based on the descriptive and analytical study of authentic documents and sources.

Keywords: international law, trade, voluntary validation, legalization validation, ECO member states

Received: 28/November/2021

Accepted: 01/July/2022

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

ارزیابی حقوق بین‌الملل مبتنی بر تجارت در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی

ابراهیم دوروزی* | کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، شهرکرد، ایران.

چکیده

امروزه، مسائل اقتصادی، جزء لاینفک هر دولتی به شمار می‌رود. مطالعه حاضر به ارزیابی حقوق بین‌المللی مبتنی بر تجارت در کشورهای عضو «سازمان همکاری‌های اقتصادی»^۱ می‌پردازد. «سازمان اکو» با هدف بهبود اقتصاد و یاری رساندن به کشورهای عضو برای رسیدن به توسعه اقتصادی پایدار تلاش می‌نماید لکن کشورهای عضو، کشورهایی در حال توسعه هستند. به همین علت، ناهماهنگی و بی‌نظمی‌های اقتصادی و حقوقی در آن‌ها وجود دارد. این وضعیت یعنی دور ماندن از اهداف اصلی این سازمان که نتیجه‌ای جز بی‌حاصلی این سازمان منطقه‌ای به همراه نخواهد داشت. از این رو، این مطالعه در درجه اول به بررسی شاخص تجارت در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی می‌پردازد. سپس، تعیین‌کننده‌های اصلی تجارت را معرفی نموده و در ادامه، اثر معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی بر قواعد حقوق بین‌الملل را مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج مطالعه نشان می‌دهد کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی با متوسط شاخص تجارت درون‌صنعتی در دوره ۱۵-۲۰۰۳ بسیار پایین است و زیربنای صنعتی و حقوقی مناسب و پیشرفته‌ای ندارند. سطح تجارت درون‌صنعتی بسیار پایین‌تر از کشورهای صنعتی است، به خصوص در کشورهای اتحادیه اروپا که متوسط شاخص تجارت درون‌صنعتی در حدود ۶۹ درصد دارند. همچنین، برخی از مناسبات سیاسی و روابط بین‌الملل بر عدم کارآمدی و پیشرفت این سازمان دامن زده است. این مقاله بر اساس مطالعه توصیفی و تحلیلی اسناد و منابع معتبر نگاشته شده است.

کلیدواژه‌ها: حقوق بین‌الملل، تجارت، اعتبارسازی اراده‌گرا، اعتبارسازی قانون‌گرا، کشورهای عضو اکو

طبقه‌بندی JEL: F1، F2، C21

* نویسنده مسئول: dorouzi@yahoo.com

1. Economic Cooperation Organization (ECO)
2. ECO

مقدمه

پس از جنگ جهانی دوم، یکی از ویژگی‌های همواره مدنظر حقوق بین‌الملل، رشد و توسعه همکاری در چارچوب روابط منطقه‌ای بوده است. یکی از سازمان‌های متبلور از همین دیدگاه، «سازمان اکو»^۱ است. این سازمان با رویکرد توسعه و همکاری اقتصادی شکل گرفته است. پس از فروپاشی شوروی سابق و جانشینی چندین کشور به‌جای شوروی سابق، بر تعداد اعضا افزوده شد به‌نحوی که می‌توان بیان داشت سازمان اکو از موقعیت ژئوپلیتیک^۲ خاصی برخوردار است (مرادی و اعظمی، ۱۴۰۰). این پژوهش درصدد بررسی شاخص تجارت در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی بوده و سپس، تعیین‌کننده‌های اصلی تجارت را معرفی می‌نماید و در ادامه، اثر معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی بر قواعد حقوق بین‌الملل عرفی را مورد بررسی قرار دهد. یکی از مواردی که در شاخص‌های تجارت بررسی می‌گردد، تجارت درون‌صنعتی و بین‌صنعتی است.

در بحث عوامل تعیین‌کننده «تجارت درون‌صنعتی»^۳، ادبیات تحقیق زیادی وجود دارد. تجارت درون‌صنعتی، پدیده‌ای تجربی بوده که در سال‌های اخیر وارد بحث‌های تجارت بین‌الملل شده است. تجارت درون‌صنعتی، زمانی اتفاق می‌افتد که یک کشور کالاها یا خدماتی را که در یک صنعت مشابه تولید شده‌اند، به‌طور هم‌زمان صادر و وارد نماید. تجارت درون‌صنعتی از «تجارت بین‌صنعتی» متمایز است. در تجارت بین‌صنعتی، یک کشور در تولید یک کالا یا خدمت تخصص می‌یابد و آن را به‌جای یک کالا یا خدمت متفاوتی که در آن مزیت نسبی ندارد، صادر می‌کند. تئوری تجارت درون‌صنعتی می‌تواند در چارچوب توسعه‌یافته «تئوری هکشر، اوهلین، ساموئلسون»^۴ H-O-S به‌خوبی توضیح داده شود. بعضی تحقیقات همانند «لیپسی»^۵ (۱۹۷۶) و «پوم فرت»^۶ (۱۹۷۹)، تناقض بین H-O-S و IIT را مورد بحث و جدل قرار داده‌اند. دیگران همانند «بالاسا»^۷ (۱۹۸۷)، «گروبل و لوید»^۸ (۱۹۷۵) و «کروگمن»^۹ (۱۹۸۱) استدلال نموده‌اند که اگر یکی از فرض‌های اصلی این تئوری ضعیف شود، آنگاه IIT می‌تواند در چارچوب تئوری H-O-S توضیح داده شود. این فرض نیز وجود تابع تولید همگن خطی از درجه یک یعنی بازدهی ثابت نسبت به مقیاس است. گروبل اثبات نمود که تفاوت بین دنیای واقعی و مدل اصلی H-O-S تضعیف فرض بازدهی ثابت نسبت به مقیاس است. این مطالعه به‌صورت مقطعی و با استفاده از متوسط داده‌های سه‌رقمی «SITC»^{۱۰} تجارت مربوط به دوره زمانی ۲۰۰۳ - ۲۰۱۵، ابتدا به بررسی شاخص تجارت درون‌صنعتی در کشورهای عضو اکو در مقایسه با چهار کشور صنعتی اروپایی می‌پردازد و سپس، تعیین‌کننده‌های اصلی^{۱۱} تجارت درون‌صنعتی را در منطقه اکو معرفی می‌نماید (فلاحی و سلیمانی، ۱۳۸۸).

سازمان همکاری اقتصادی

سازمان همکاری اقتصادی^{۱۲} یا اکو، یک سازمان اقتصادی منطقه‌ای است. سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه در سال ۱۳۴۳ (۱۹۶۴)، نخستین بار این سازمان را پایه‌ریزی کردند. این سازمان با نام «آر سی دی» (که نام اختصاری

1. ECO (Economic Cooperation Organization)
2. Geopolitics
3. Intra-Industry Trade (IIT)
4. The Heckscher-Ohlin-Samuelson Theory
5. Lipsey, R. E.
6. Pomfret, R.
7. Bela Balassa
8. Grubel and Lloyd
9. Krugman, P. R.
10. Standard International Trade Classification
11. Determinants
12. Economic Cooperation Organization

سازمان همکاری عمران منطقه‌ای است)، آغاز به کار کرد. پس از انقلاب ایران (۱۳۵۷)، در ایران، کار سازمان با وقفه مواجه شد و در سال ۱۳۶۴ با نام «اکو» حیات خود را از سر گرفت.

در بهمن ماه ۱۳۷۰، به دنبال فروپاشی شوروی، کشورهای جمهوری آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان به سازمان اکو پیوستند. سپس با عضویت افغانستان، اعضای این سازمان به ۱۰ عضو رسید. این سازمان هم‌اکنون به جهت هم‌مرزی و نزدیکی به خلیج فارس و کشورهای قدرتمند روسیه، چین و هند و داشتن حدوداً ۳۳۰ میلیون تن جمعیت و ۸،۶۲۰،۶۹۷ کیلومتر مربع وسعت کشورها و امکانات نفت، گاز و صنعت از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است (اعظمی و مرادی، ۱۴۰۰). اساسنامه این سازمان، اهداف متعددی را در نظر گرفته است که از جمله آنان می‌توان به کمک به بهبودی شرایط توسعه اقتصادی پایدار در کشورهای عضو و حذف تدریجی موانع تجاری در این منطقه اشاره نمود. از دیگر اهداف اکو می‌توان به تهیه برنامه‌ای مشترک برای توسعه منابع انسانی در این ده کشور اشاره کرد. همچنین، اکو برای تسریع برنامه توسعه حمل‌ونقل و ارتباطات نیز فعالیت‌های متعددی را انجام می‌دهد. زبان رسمی سازمان همکاری‌های اقتصادی، انگلیسی بوده و مقر اصلی آن نیز ایران-تهران است. به مناسبت پیوستن افغانستان و کشورهای قفقاز و آسیای میانه از جمله ترکمنستان، قرقیزستان، ازبکستان، قزاقستان، تاجیکستان و آذربایجان به سازمان اکو و افزایش اعضای این سازمان از ایران، پاکستان و ترکیه یعنی ۳ کشور به ۱۰ کشور، روز هفتم آذرماه ۱۳۷۱ به‌عنوان روز اکو نام‌گذاری شده است.

تجارت درون‌صنعتی

تجارت درون‌صنعتی به شکل نهادی نوین در عرصه تجارت بین‌المللی شناخته می‌شود و معیاری نوین در بحث تجارت‌های بین‌الملل است. با توجه به اینکه سازمان اکو یک سازمان منطقه‌ای است، لذا در بحث تجارت بین‌الملل به نهاد تجارت درون‌صنعتی می‌پردازیم. در تجارت درون‌صنعتی، یک کشور کالاها یا خدماتی را که در یک صنعت مشابه تولید شده، به‌طور هم‌زمان صادر و وارد می‌نماید. جریان‌های تجارت بین کشورها در کالاهای مکمل به‌واسطه مزیت نسبی بر اساس تفاوت در موجودی عوامل و در یک محیط تجاری کاملاً رقابتی اتفاق می‌افتد. «پس از تجزیه و تحلیل تجارت درون‌صنعتی مشخص گردید، در کشورهای صنعتی با شدت به کارگیری عوامل معین یک مبادله دوطرفه^۱ در یک گروه یکسان از کالاها رخ می‌دهد». درواقع، تجارت درون‌صنعتی، تجارت در کالاهای یکسان را مطرح می‌کند لکن به جهت اینکه مصرف‌کنندگان در کشورهای مختلف یا حتی یک کشور دارای سلاقی همسان نیستند و تقاضاها نیز متفاوت است، کالای مشابه جایگزین می‌گردد (Grubel & Lloyd, 1975).

بعد از «گروبل و لیود»، مطالعات زیادی صورت گرفت و حاکی از آن بود که «یک اقتصاد بسیار پیشرفته و توسعه‌یافته، ساختار تجارت آن نیز بسیار تخصصی خواهد بود؛ بنابراین، کشورهای صنعتی تمایل دارند سطح تجارت درون‌صنعتی بزرگ‌تری نسبت به کشورهای در حال توسعه داشته باشند و به‌صورت یک زنجیره ناهموار، کشورهای با سطح درآمد متوسط، سطوح تجارت درون‌صنعتی بالاتری نسبت به کشورهای با سطح درآمد پایین و سطوح تجارت درون‌صنعتی پایین‌تری نسبت به کشورهای صنعتی دارند». افزایش صادرات، نتیجه مستقیم بر افزایش سریع و چشمگیر تجارت درون‌صنعتی دارد. به‌عنوان مثال، افزایش صادرات موفقیت‌آمیز در کشورهای آسیای شرقی و تازه صنعتی‌شده باعث افزایش سطوح تجارت صنعتی نیز شده است. با توجه به این موضوع استنباط می‌گردد که سطوح بالای تجارت

1. Two-Way Exchange

هووارد. پی. مارول و ادوارد. جان. ری. (۱۹۸۷) (Howard P, Marvel and Edward John Ray) نشان دادند که جریان‌های مبادله دوطرفه هنگامی اتفاق می‌افتد که شرایط برای تخصص بین‌المللی مناسب باشد که در این صورت با تجزیه و تحلیل استیگر-ویلیامسون از تقسیم کار سازگار است. به علاوه، نشان دادند که تجارت درون‌صنعتی اثر مهمی روی فشارهای حمایت از تولیدات داخلی دارد.

صنعتی نشان‌دهنده توانایی دوجندان در یک محیط تجاری است و کشورها برای مساعد نمودن شرایط خود با رقبای موجود، انعطاف بیشتری نشان می‌دهند (فلاحتی و سلیمانی، ۱۳۸۸).

تابه حال باید مشخص شده باشد که تجارت درون‌صنعتی، نتیجه و اثر فزاینده تخصص است و یک علت وابسته به آن نیست. تعیین‌کننده‌های اصلی تمایل یک کشور به تجارت و رقابت در سطح بین‌المللی، جهت منطبق شدن با تغییرات، تحت تأثیر پیامدهای حاصل از سیاست‌های پولی-مالی، بازارهای عاملان تولید، سرمایه، تجارت بین‌الملل و محدودیت‌های تجارت همانند تعرفه‌ها و سهمیه‌بندی‌ها قرار می‌گیرند. به هر حال، باید توجه داشت که مزیت‌های عمده تخصص، در مفهوم آزادسازی تجارت وجود دارد؛ به‌ویژه تخصص در درون صنایع یکسان، ممکن است هزینه کمتری نسبت به سرمایه‌گذاری جدید صنعتی داشته باشد و با توجه به اینکه تقاضای نیروی کار کاهش می‌یابد، هزینه اجتماعی کمتری نیز تحمیل می‌گردد. مضافاً آنکه تخصص افزایش یافته همانند یک تسهیل‌کننده عمل کرده و موجب رقابت و افزایش فعالیت‌های ابداعی، تکنولوژیکی و رشد جدید می‌شود. تذکر این نکته ضروری است که مفسران بایستی در تفسیر تجارت درون‌صنعتی به عنوان شاخص تمایل محتاط باشند. از یک طرف، کشور دارای تجارت درون‌صنعتی بالا عموماً قابلیت انعطاف بیشتری را نشان می‌دهد و برای آزادسازی تجارت بهتر آماده می‌گردد و از طرف دیگر و برعکس می‌توان استدلال نمود که آزادسازی تجارت حتی فقط با اتحادیه اروپا می‌تواند سبب تحریک سرمایه‌گذاری و بهبود کارایی شود.

تجارت درون‌صنعتی در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو)

همان‌طور که مطرح گردید، سازمان همکاری اقتصادی یک سازمان منطقه‌ای است؛ حال آنکه تجارت درون‌صنعتی، یک موضوع مرتبط با تجارت بین‌الملل است. لذا به تجارت درون‌صنعتی در کشورهای عضو اگو می‌پردازیم. در ذیل جدول (۱)، شاخص تجارت درون‌صنعتی را برای کشورهای نمونه عضو اگو و پنج کشور صنعتی اروپا در دوره زمانی ۲۰۰۳-۲۰۱۵ بیان می‌نماید. در همه گروه‌های کالاها، مقدار شاخص تجارت درون‌صنعتی برای کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی بسیار پایین است به نحوی که جمهوری آذربایجان با مقدار شاخص ۱۲ درصد، پایین‌ترین تجارت درون‌صنعتی و ترکیه با مقدار شاخص ۳۸ درصد، بالاترین سطح شاخص تجارت درون‌صنعتی را در بین کشورهای عضو داراست. کشورهای صنعتی (کشورهای اروپایی) نمونه در مقایسه با کشورهای اگو از سطوح تجارت درون‌صنعتی قابل توجهی برخوردارند به نحوی که بالاترین سطح تجارت درون‌صنعتی با مقدار ۷۴ درصد متعلق به کشور فرانسه و پایین‌ترین آن متعلق به کشور ایتالیا با سطح ۵۹ درصد است. به‌طور متوسط نیز مقدار شاخص تجارت درون‌صنعتی برای کشورهای نمونه اگو بسیار پایین و برابر ۲۲ درصد است. این آمار مربوط به همه گروه‌های کالاها است. با این حال، در کالاهای تولیدی یا ساخته‌شده^۱، سطوح شاخص تجارت درون‌صنعتی رشد چشمگیری داشته است. به عنوان مثال، پایین‌ترین سطح تجارت درون‌صنعتی در کشورهای اگو با مقدار ۱۳ درصد مربوط به قزاقستان است که شاخص تجارت درون‌صنعتی این کشور در کالاهای تولید نسبت به مقدار این شاخص در همه گروه کالاها تنزل نموده است. این امر نشان‌دهنده پایین بودن سطح تولیدات صنعتی در این کشور است. کشور ایران در تولیدات صنعتی، بعد از ترکیه رتبه دوم را از نظر شاخص تجارت درون‌صنعتی دارد و در مقدار شاخص تجارت درون‌صنعتی آن در همه گروه کالاها بسیار پایین بوده و رتبه دوم پایین‌ترین شاخص تجارت درون‌صنعتی را دارد (فلاحتی و سلیمانی، ۱۳۸۸).

جدول ۱. شاخص تجارت درون‌صنعتی در کالاهای ساخته‌شده و همه گروه کالاها

Country	Manufactures	All Commodity
	2003-15	2003-15
Azerbaijan	0.1538	0.1278
Iran (Islamic Republic of)	0.2813	0.1384
Kazakhstan	0.1372	0.1671
Kyrgyzstan	0.2180	0.2169
Pakistan	0.1264	0.1428
Turkey	0.4227	0.3872
Simple Average	0.2232	0.1967
Sample industrial Countries		
France	0.8073	0.7490
Germany	0.7623	0.7270
Italy	0.6338	0.5927
United Kingdom	0.7239	0.7085
Simple Average	0.7318	0.6943

حقوق بین‌الملل و معاهدات سرمایه‌گذاری

امروزه، حقوق بین‌الملل از جایگاه ویژه‌ای در سطح جهان برخوردار است. در حقیقت، حقوق بین‌الملل شاخه‌ای از علم حقوق شامل قوانین ناظر بر روابط دولت‌ها، سازمان‌ها و افرادی است که حداقل یک عنصر خارجی و بین‌المللی دارا باشند. هرچند تابعان حقوق بین‌الملل شامل کشورها، سازمان‌های بین‌المللی و اشخاص حقیقی هستند اما اشخاص حقیقی فقط در پرتو اصل حمایت سیاسی دولت متبوع خود دارای اعتبار توافقی نزد دیوان بین‌المللی دادگستری خواهند بود.

منابع حقوق بین‌الملل شامل منابع اصلی مانند معاهدات بین‌المللی، عرف بین‌المللی و اصول کلی حقوق بین‌الملل و منابع فرعی شامل رویه قضایی، دکترین و اصل عدالت و انصاف است اما منابع اصلی حقوق بین‌الملل، همه در یک سطح و اعتبار قرار دارند. در اصل عرف بین‌الملل که رویه و طرز عمل هر کشور چه به صورت فعل یا ترک فعل در مناسبات خود با کشورهای دیگر اعمال می‌کند، دارای عنصر مادی یعنی طرز عمل کشور به صورت تکرار رفتار مشابه و عنصر معنوی به صورت اعتقاد به الزام آور بودن عرف را تشکیل می‌دهد، هیچ‌گونه سلسله‌مراتبی بین آن و معاهدات بین‌المللی وجود ندارد و اعتبار عرف بین‌المللی و معاهدات بین‌المللی برابر است. در صورت عدم تعارض بین آن دو، هر دو به قوت خود باقی خواهند ماند و در صورت وجود تعارض در مورد یک قاعده عرفی بین‌المللی، قاعده مؤخر، قاعده مقدم را نقض می‌کند. همچنین، مقررات قاعده مقدم تا جایی که به وسیله قاعده مؤخر اصلاح نشده باشد، قابل اجرا است.

قانون معاهدات بین‌المللی شامل تعهداتی بوده که کشورها در معاهدات صریحاً و داوطلبانه بین خود می‌پذیرند. حقوق بین‌الملل عرفی از رویه منسجم دولت‌ها همراه با جبران عقاید، یعنی محکومیت دولت‌ها مبنی بر اینکه عمل منسجم توسط یک قاعده قانونی لازم است، حاصل می‌شود و به طور سنتی علاوه بر شواهد مستقیم رفتار دولت، به احکام دادگاه‌های بین‌المللی و نیز آثار علمی به عنوان منابع اقناع‌کننده عرف نگاه می‌شود؛ بنابراین، حقوق بین‌الملل با روابط بین کشورها یا روابط بین‌الملل در تعامل است به طوری که ارتباط متقابل از اصل اعتبارسازی اراده گرا یا اعتبارسازی قانون گرا پیروی می‌کند. ساده‌ترین دریافت از اعتبار را می‌توان این گونه تشریح کرد؛ دولتی که به قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل تمکین کند، اعتبار خوبی برای خود رقم خواهد زد و شریک معتبری قلمداد خواهد شد اما دولتی که در این محور ناکارآمد عمل می‌کند، با رقم زدن یک اعتبار مخدوش برای خود، به شکل یک دولت بی اعتبار شناخته خواهد شد. به طور دقیق‌تر می‌توان گفت که نقض تعهد یک دولت در زمان حال بر شیوه تعامل سایر دولت‌ها با دولت متخلف در آینده تأثیر خواهد داشت (دادمهر، ۱۳۹۳: ۱۲۳-۱۴۵). در نتیجه، اعتبار عبارت است از مجموع قضاوت‌های

انباشت شده دولت‌ها درباره رفتار پیشین یک دولت در التزام به قانون که از آن برای پیش‌بینی رفتار یا عملکرد آتی همان دولت استفاده می‌شود. هرچه اعتبار یک دولت بیشتر باشد، راحت‌تر می‌تواند در ترتیبات قراردادی بین‌المللی مشارکت داشته باشد، در چانه‌زنی‌های قبل از انعقاد قراردادها سهم بالاتری را به خود تخصیص دهد و دولت‌های بیشتری را متمایل به همکاری با خود بیابد. درواقع، اعتبار، نیروی نهفته پشت توافقات و شاید حتی بتوان گفت تنها نیروی راهبر و پیش‌برنده اعتماد به توافقات بین‌المللی است (Mercer, 1997: 100-113). درمجموع، اعتبارسازی قانون‌گرا در حقوق بین‌الملل عبارت است از برآیند قضاوت‌های مربوط به رفتارهای پیشین یک بازیگر که برای پیش‌بینی رفتارهای آتی آن به کار گرفته می‌شود. در زمینه حقوق بین‌الملل، میزان اعتبار یک دولت با توجه به نسبت پایبندی آن دولت به اجرای تعهدات حقوقی‌اش تعیین می‌شود. بر این اساس، سایر دولت‌ها دست به قضاوت درباره اعتبار یکدیگر می‌زنند و از مجموع قضاوت‌هایشان درباره چگونگی رفتار ارائه‌شده به‌عنوان یک ابزار اعتباری جهت برآورد دقیق میزان پایبندی به تعهدات آتی استفاده می‌کنند (دادمهر، ۱۳۹۳: ۱۲۳-۱۴۵). درنتیجه، اعتبار یک کشور در حقوق بین‌الملل، تمایل کشورهای دیگر را در برقراری روابط ازجمله معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی طلب می‌کند.

معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی که عمدتاً شامل معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری می‌شوند، در اواخر دهه ۱۹۵۰ به‌منظور تنظیم امور سرمایه‌گذاری بین‌المللی شکل گرفتند. ایجاد این نوع جدید از معاهدات بین‌المللی، در شرایطی که فعالیت‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی بعد از پایان جنگ جهانی دوم خیلی رونق گرفت، درواقع جبران‌کننده این نقص حقوق بین‌الملل کلاسیک بود که به‌ندرت امور سرمایه‌گذاری بین‌المللی را تحت پوشش خود قرار می‌داد. از اواسط دهه ۱۹۹۰، معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی با رشد فزاینده‌ای همراه بوده است. تعداد معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی تا پایان سال ۲۰۰۶ به ۵۵۰۰ مورد رسیده که بسیار بیش‌تر از تعداد معاهدات بین‌المللی در سایر زمینه‌های حقوق بین‌الملل است. این تعداد همچنان در حال افزایش است. در همان حال، یعنی تا سال ۲۰۰۷، تعداد پرونده‌های داوری گزارش‌شده در خصوص سرمایه‌گذاری مبتنی بر معاهدات سرمایه‌گذاری به ۲۹۰ مورد رسید. تعداد اختلافات بین‌المللی ارجاع‌شده به داوری نیز همچنان در حال افزایش است. پویایی قابل‌ملاحظه رویه معاهده‌ای سرمایه‌گذاری بین‌المللی، برخی مفسرین را متقاعد ساخته که امروزه بیش‌ترین پیشرفت‌ها مربوط به معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی است (کونگ یان، ۱۳۸۸: ۲۶۳-۲۹۱).

پویایی معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی، بدون شک نیروی محرکه‌ای برای اثرگذاری بر اجرای حقوق بین‌الملل عرفی به‌عنوان یک منبع اصلی حقوق بین‌الملل تلقی می‌شود. مطابق با نظریان براونلی، اگر انسجام و عمومیت رویه اثبات شود، هیچ‌گونه دوره زمانی خاصی لازم نیست چرا که گذر زمان مطمئناً بخشی از دلیل بر عمومیت و انسجام رویه خواهد بود. «لی هائویی» در این خصوص نظر مشابهی دارد و بر این باور است که دوره زمانی باید در هر مورد خاص، به تراکم روابط بین‌المللی خاص بستگی داشته باشد (کونگ یان، ۱۳۸۸: ۲۶۳-۲۹۱). بر اساس ملاحظات که در بالا مطرح شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگرچه برای تکوین قواعد عرفی، در کنار رویه عام، عموماً نوعی شرط معنوی نیز به‌عنوان عنصر ضروری مطرح می‌شود اما چنین شرطی لزوماً عامل الزام‌آور مطرح نمی‌شود. مطابق با نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد و نظر بسیاری از حقوق‌دانان بین‌المللی، سندیت قواعد حقوق بین‌الملل عرفی از این سه منبع قابل‌استخراج است؛ روابط دیپلماتیک بین‌الدولی که به شکل معاهدات، اعلامیه‌ها و سایر اسناد دیپلماتیک بین‌الدولی است، عملکرد نهادهای بین‌المللی که به‌صورت تصمیمات، آراء و غیره جلوه‌گر می‌شود و درنهایت، اقدامات بین‌الدولی که در قالب حقوق، قواعد، تصمیمات قضایی، اداری و غیره مطرح می‌گردد. باین حال، روشن نیست که آیا روش‌های مختلف تکوین قواعد حقوق بین‌الملل عرفی، اعتبار و ارزش متفاوت دارند یا خیر. درهرحال، بدیهی است که این اختلاف‌نظرها از نقشی که معاهدات، بالأخص انواع مختلف معاهدات در ایجاد قواعد حقوق بین‌الملل عرفی ایفا

می‌کنند، ناشی می‌شود. لازم به ذکر است که راجع به تأثیر معاهدات در تکوین قواعد حقوق بین‌الملل عرفی، نباید مبالغه کرد. دلیل آن هم این است که برعکس رویه دولتی در عرصه داخلی که در آن، دولت‌ها بر مبنای اراده و انتظارات واقعی‌شان آزادی عمل دارند، در عرصه بین‌المللی، سیاست قدرت منجر به ایجاد وضعیتی می‌شود که در آن، مبادلات متعدد دیپلماتیک بین‌الدولی شامل مذاکره و انعقاد معاهدات، در بسیاری از موارد تنها نتیجه کشمکش‌های سیاسی و حتی فشارهای زیاد است. به عبارت دیگر، بسیاری از معاهدات بدون اراده آزاد طرفین متعاهد منعقد می‌شوند. لذا باید در خصوص تشخیص عنصر معنوی ناشی از معاهدات، محتاط بود. همچنین، در مذاکرات مرتبط با معاهدات دوجانبه و چندجانبه، غالباً نابرابری فاحشی بین قدرت‌های مذاکره‌کننده وجود دارد. در مذاکرات مربوط به معاهدات چندجانبه که همه دولت‌های مذاکره‌کننده در آن شرکت دارند، ممکن است سازوکار بازی چندجانبه تا اندازه زیادی این اختلاف قدرت موجود میان دولت‌های مذاکره‌کننده را جبران سازد. به هر صورت، دیوان بین‌المللی دادگستری به هر نحو از ایجاد قواعد حقوق بین‌الملل عرفی توسط رویه معاهده‌ای حمایت می‌کند. کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در زمینه حقوق معاهدات، نسیت معاهدات مانع موضع مثبتی دارد. همان‌طور که ماده ۳۸ کنوانسیون مزبور مقرر می‌دارد که قاعده مقرر در یک معاهده (به‌عنوان یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل شناخته شده و با توسعه تدریجی به رسمیت شناخته شده) برای کشور ثالث الزام‌آور گردد. حاکمیت بین‌المللی قانون، معاهدات میان کشورها، بالأخص آن‌هایی که مربوط به حاکمیت بین‌المللی قانون هستند یا روابط مطلوب کشورها با همدیگر را فراهم می‌سازند، راحت‌تر می‌توانند به اعتقاد حقوقی منجر شوند. علاوه بر آن، در مقایسه با سایر فعالیت‌های بین‌الدولی مثل بیانیه‌های دیپلماتیک و یادداشت‌ها یا سخنرانی‌های سران دولت‌ها، انعقاد معاهده توسط نمایندگان دیپلماتیک و به‌ویژه تصویب چنین معاهداتی توسط قانون‌گذار ملی، قطعاً یک عمل حقوقی کاملاً رسمی محسوب می‌شود. از این رو، باید تلقی حقوق و تعهدات قانونی مقرر شده در فرایند انعقاد و تصویب معاهده را انتظار داشت (کونگ یان، ۱۳۸۸: ۲۶۳-۲۹۱).

چالش‌های حقوق بین‌الملل و سازمان همکاری اقتصادی

سازمان همکاری اقتصادی آن‌چنان که مدنظر اعضا بوده است، تا به امروز پیشرفت نداشته است و اهداف مدنظر اعضا حاصل نشده است. حقوق‌دانان و صاحب‌نظران متفق‌القول بیان داشته‌اند که مسائل حقوقی و سیاسی و مناسبات دیپلماتیک، بسیار بر پیشرفت این سازمان تأثیر گذار بوده است.

در عرصه منطقه‌ای و بین‌الملل، سازمان‌های متعددی اقتصادی همچون اکو وجود دارد. سازمان همکاری اقتصادی تا سازمان‌های مشابه هیچ‌گونه همکاری و مراودتی نداشته است. این امر می‌تواند یکی از موانع مهم این سازمان در عرصه بین‌الملل باشد.

در عرصه بین‌الملل، ما با قوانین حاکم بر تجارت و بازرگانی به‌صورت متحد شکل روبرو هستیم. از این رو، کنوانسیون‌های متعدد، رویه‌های متعدد و عرف‌های متعدد را متبلور می‌گردد و همچنین، برخی کشورها یا سازمان‌ها با مقررات ارشادی را مطرح می‌نمایند. علت این موضوع نیز درک و تعریف مفاهیم یکسان توسط کشورهای مختلف با توجه به قوانین و مقررات خاص خود است؛ بنابراین، مهم‌ترین هدف اینکه عملاً خواهان توسعه برای دول عضو است، با چالش روبرو می‌گردد. در واقع، به نظر می‌رسد در خصوص اکو باید هم‌گرایی منطقه‌ای بین کشورهای عضو صورت گیرد؛ بدین معنا که اعضا در یک کل ادغام شوند اما این موضوع با برخی مسائل سیاسی تداخل داشته، لذا نیازمند یک هم‌گرایی قانون است. این موضوع، علاوه بر بهبود اوضاع اقتصادی و توسعه پایدار، موجب ایجاد یک بلوک قدرتمند در منطقه می‌گردد (قوام، ۱۳۸۴). در عرصه بین‌الملل، قواعد و هنجارها برای اینکه پذیرش پیدا کنند، نیازمند این هستند که در قالب یک معاهده، اساسنامه، قطعنامه و غیره منتشر گردیده تا شناسایی گردند؛ حال آنکه همین قواعد و هنجارها

نیز برگرفته از عرف بین‌الملل هستند؛ بنابراین، قواعد بین‌المللی با معاهدات و عرف به نحوی ارتباط دارند و وجود آن‌ها لازم و ملزوم یکدیگر است (کمالی و همکاران، ۱۳۹۵).

در عرصه بین‌الملل، هر کشور دارای اراده و استقلال است اما در حوزه منطقه‌ای، کشورهای اروپایی و ایالت متحده آمریکا، با نفوذ در کشورهای در حال توسعه مانع پیشرفت و دل‌بستگی و وابستگی آنان به فرامنطقه می‌گردد (شهابی و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۶). به علاوه، در برخی موارد مانند وضعیت کشور افغانستان، با ایجاد جنگ موجب آسیب جدی به زیرساخت‌های اقتصادی و نظام تجارتی این کشور می‌شوند. مضافاً اینکه بر هم خوردن نظم منطقه‌ای و ناامنی‌های بسیاری را به دنبال دارد.

نتیجه‌گیری

نتایج مطالعه نشان می‌دهد که کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی با متوسط شاخص تجارت درون‌صنعتی در همه گروه کالاها برای دوره ۲۰۰۳-۱۵ بسیار پایین بوده و زیربنای صنعتی و حقوقی مناسب و پیشرفته‌ای ندارند. این سطح تجارت درون‌صنعتی به طور قابل ملاحظه پایین‌تر از مقدار به دست آمده در کشورهای صنعتی است، به خصوص در «کشورهای EU» که متوسط شاخص تجارت درون‌صنعتی در حدود ۶۹ درصد و تقریباً ۳٫۵ برابر سازمان اکو است.

یافته‌های مرتبط با تجزیه و تحلیل‌های اقتصادسنجی تعیین‌کننده‌های تجارت درون‌صنعتی نشان می‌دهد که سطوح تجارت برای کشورهای اکو نسبت به کشورهای توسعه یافته عضو اکو کمتر است. به طور کلی، این نتایج نشان می‌دهند که اگر کشورهای اکو اقداماتی را برای نظم اقتصادی، معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی و حقوقی، افزایش آزادسازی تجارت و تنوع‌بخشی به سطح صنعتی خود انجام دهند، سطوح و مقادیر تجارت درون‌صنعتی به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش خواهند یافت. اگر این کشورها بتوانند در صنایع موجود به واسطه تجارت درون‌صنعتی بزرگ‌تر به تخصص دست یابند، ممکن است به سودهای اقتصادی قابل توجهی برسند؛ با توجه به اینکه در یک دوره زمانی معین تعدیل هزینه‌ها در حداقل است. همچنین، استنباط گردید که سطح شاخص تجارت درون‌صنعتی در کشورهای عضو اکو نسبت به کشورهای نمونه صنعتی بسیار پایین‌تر است که نشان از تخصص پایین این کشورها در تولید کالاها دارد.

در مسئله سازمان اکو، مسائل حقوق بین‌الملل نیز بسیار تأثیرگذار است به نحوی که تمام این موارد اقتصادی و کم‌وکاستی‌های موجود ناشی از مسائل حقوق بین‌الملل است. روابط و اختلافات سیاسی نیز بر این موضوع دامن زده است. به نظر می‌رسد در عرصه تجارت در منطقه، اکو نیازمند یک معاهده یا قطعنامه جدی از سوی اعضا بوده تا به اختلافات و مسائل سیاسی پایان دهد و بر بهبود اوضاع اقتصادی که مهم‌ترین هدف این سازمان نیز بوده است، کمک نماید.

منابع

- اعظمی، هادی و مرادی، امین. (۱۴۰۰). جایگاه ژئوپلیتیکی سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو در تقویت سیاست همسایگی ایران و همسایگان، *اولین همایش ملی ایران و همسایگان*، تهران.
- دادمهر، هادی. (۱۳۹۳). حقوق بین‌الملل در برابر روابط بین‌الملل، بررسی میان‌رشته‌ای مفهوم اعتبار، *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۶(۴)، ۱۴۵-۱۲۳.
- شهابی، سهراب و شیخ‌الاسلامی، محمدحسن. (۱۳۸۶). آیا می‌توان در انتظار پیشرفت اکو ماند؟، *فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۳۷(۳)، ۱۳۹-۱۹۱.

- فلاحی، علی و سلیمانی، سعید. (۱۳۸۸). تجارت درون‌صنعتی و عوامل تعیین‌کننده آن در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی (ECO)، پژوهشنامه علوم اقتصادی، ۹ (۱-۳۷)، ۷۷-۸۹.
- قوام، سید عبدالعلی. (۱۳۸۴). روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها. تهران: انتشارات سمت.
- کمالی، محبوبه، عبدلی، مهران، باستان، الناز و خرمی، علیرضا. (۱۳۹۵). جایگاه حقوق بین‌الملل در عرصه جهانی شدن، چهارمین کنفرانس پژوهش در علوم و تکنولوژی، سن پترزبورگ روسیه.
- کونگک یان، کای. (۱۳۸۸). معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی بر قواعد حقوق بین‌الملل عرفی، ترجمه حجت سلیمی ترکمانی، مجله حقوق بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، ۲۶ (۴۱)، ۲۹۱-۲۶۳.
- Balassa, B., & Bauwens, L. (1987). Intra- industry specialization in a multi-country and multi-industry framework. *The Economic Journal*, 388, 923-939.
- Grubel, H. & Lloyd, P. (1975). *Intra-industry trade: The theory and measurement of international trade in differentiated products*. Macmillan: London.
- Krugman, P. R. (1981). Intra-industry specialization and gains from trade. *Journal of Political Economy*. 89, 959-973.
- Lipsey, R. E. (1976). Review of Herbert G. Grubel and P. J. Lloyd's Intra-Industry. *Journal of International Economics*, 6, 312-314.
- Mercer, J. (1997). Reputation and rational deterrence theory. *Security Studies*, 7(1), 100-113.
- Pomfret, R. (1979). Intra-industry trade in intraregional and international trade. In H. Giersch (Ed.) *On the economics of intra-industry trade*. Tubingen: Symposium.

